

فلسفہ ی ہادیس گئورگ گادامر

دکتر عباس محمدی اجل



۱۳۹۷



کتابخانه ملی و اسناد ایران

فلسفه هانس گئورگ گادامر

عباس محمدی علی - ۱۳۹۷

موضوع: گادامر، هانس، گئورگ، ۱۹۰۰-۲۰۰۰م - نقد و تفسیر

Gadamer, Hans-Georg-Criticism and interpretation: موضوع

۱۴۶ص شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۸۷۰۰۰۰۹

تیراژ: ۲۰۰ نسخه

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۷

رده‌بندی دیویی: ۱۲۱/۶۸

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶م ۲۴گ/ B۳۲۴۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۵۶۲۲۸



عنوان	فلسفه‌ی هانس گئورگ گادامر
نمونه	عباس محمدی اصل
طرح	نسرین صدقیان
ترجمه و تصحیح	مهتاب سلیمی
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۹۸۷۰-۰-۹
نشانی:	تهران- اتوبان شهید بابایی- شهرک امید- ساختمان ۱۹- واحد ۵۳
تلفن	۰۹۱۲۳۱۲۹۵۱۷-۷۷۰۷۶۹۰۲۲
مرکز پخش:	بازار سید جمال‌الدین اسدآبادی- میدان فرهنگ- خیابان سی و م- نبش خیابان آماج- پلاک ۲۱- واحد ۳
تلفن:	۸۷۲۲۰۳۶
پست الکترونیک	Azarbizhan1368@gmail.com
قیمت:	۱۵۰۰۰۰ ریال



همه‌ی حقوق چاپ و نشر این اثر انحصاراً برای نشر دیرمان محفوظ است. هرگونه استفاده‌ی تجاری از این اثر یا تکثیر آن به هر صورت (چاپ، فتوکپی، کتاب صوتی و الکترونیک و نشر در فضای مجازی) کلاً و جزئاً ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

فهرست

۹	سخنی با خواننده
۱۳	مقدمه
۱۷	تمهیدات
۳۵	فهمِ فهم
۴۱	نسبیت و حقیقت
۵۵	بایست و شایست
۶۵	هستی‌شناسی زبان
۷۹	علوم انسانی- اجتماعی
۸۷	هنرمندی و نظروورزی
۹۵	شکافتن سقف فلک
	هرمنوتیک در عمل
	هرمنوتیک و دیالکتیک هگلی
۱۲۷	هرمنوتیک و جنسیت
۱۳۳	شالوده‌شکنی انتقادی
۱۳۹	جمع‌بندی
۱۴۵	منابع

مقدمه

این برگ چون زبان‌ها وین میوه‌ها چو دل‌ها
دل‌ها چو رو نماید قیمت دهد زبان را
مولانا

هانس گئورگ گادامر (Hans-Georg Gadamer, 1900-2002) در حوزه‌ی فلسفه‌ی هرمنوتیک گام برداشت. نگاه‌هایش با تعریف رویکرد هرمنوتیکی، چونان «هنر توافق» (Gadamer, 1990:273)، بر گفت‌وگوهای فلسفی و الهیاتی و شیوه‌های تفسیر در علوم اجتماعی مؤثر افتاد. او ضمن توجه به رابطه‌ی مخاطب متن با پاسخش، شرایط تفسیر صحیح را علاوه بر منظر دانش تاریخی نیز دنبال کرد. وی با تأمل در دیدگاه‌های هرمنوتیک ارسطویی عقل عملی (practical reasoning/phronesis)، نظریه‌ی هرمنوتیک را در میانه‌ی پدیدارشناسی هوسرل و هایدگر و دیالکتیک افلاطون و گسل نهاد تا گفتگوی مبتنی بر پرسش و پاسخ در زندگی جاری آدمیان را مودی حقیقتی یابد ریشه‌دار در تجربه‌ی سهش زیبایی و فراتر از تجربه‌ی لوگوس. گادامر این مهم را با نقد ذهنی‌سازی آگاهی زیبایی‌شناختی نزد کانت آغاز کرد تا حقیقت (truth) و زیبایی (beauty) را تقریب بخشد؛ زیرا به

نظرش هنر مثلاً در تجربه‌ی زیبایی‌شناختی (aesthetic) با جلوه‌هایی چون نمایش (representation) و محاکات (mimesis) و جشنواره (festival) می‌تواند گویای حقیقت در زیبایی باشد. او به علاوه، رابطه‌ی نظریه (theory) و عمل (practice) را در عصر علم و تکنولوژی جدید پی گرفت و هنر (art/technique/techne) حفظ سلامت در این عهد را برجسته ساخت (Gadamer, 1996)؛ زیرا کردار به باور او، چیزی بیش از کاربرد صرف دانش است و به همین جهت حقیقتی که به ابزار روش دست نمی‌دهد، با گفتگو و پرسش و پاسخ متقابل می‌تواند کسب حقیقت را تفهیم کند.

گادامر در مورد بومی‌گرایی (ethnocentrism) و اتکای تجربه‌ی هرمنوتیکی عام از فهم (Understanding) به فراسوی عین‌گرایی (objectivism) و نسبی‌گرایی (relativism) برود و بر معضلات علم‌گرایی (scientism) و ناعقلانیت‌گرایی (irrationalism) فایق آید. از آن‌جا که زبان همان وجودی است که به فهم‌مان در می‌آید، پس فهم موضوعی همواره غسرپذیر در زبان باقی می‌ماند و تنها هرمنوتیک (hermeneutics) است که به دنبال این هدف وجودشناسانه (ontological) را برآورد.

میراث تاریخی هرمنوتیک تا پیش از دوران جدید، فلسفه‌ی یونانی و هلنی و آباء کلیسا متکی بود. در عصر جدید، اما روش تفکر پیری که از هرمنوتیک برای فهم متون دور تاریخی استفاده شد، طلیعه‌دار تلقی علمی از آن گردید تا دلتای بتواند از این طریق در نقد عقل تاریخی سود برگیرد. مع‌هذا «گادامر دریافت روش‌شناسی گرای هرمنوتیک "علمی"، نسخه‌ای از علم‌گرایی می‌شود» (Dostal, 2002: 2) و این در حالی است که کاربرد

این روش برای پدیده‌های انسانی- اجتماعی به واسطه‌ی معناداری و نیت‌مندی، سودمند نیست و لازم است درکی دیگر از روش و هرمنوتیک در افکند؛ زیرا دانستن (knowing/wissen) در علم (science/Wissenschaft) صرفاً تابع روش‌شناسی (methodology) نیست.

گادامر با تأکید بر این که قصد تولید هنر یا فن فهم به شیوه‌ی هرمنوتیک اولیه، آشنایی مهندسی نظامی از قواعد برای توصیف رویه علوم انسانی (human sciences/Geisteswissenschaften) را نداشته، در بیان چشم‌انداز کلیش روش‌های علوم انسانی می‌گوید: «دغدغه‌ی واقعی، فلسفی بوده و هست: نه آنچه می‌کنیم یا آنچه بایستی بکنیم، بلکه آنچه برای ما بیش از بالاتر از خواستن و عمل کردن مان رخ می‌دهد.» (Gadamer, 1989:xxviii)

از این حیث گادامر در پی توصیف یا بیان پدیدارشناختی فهم کامل یا همه فهم (all understanding/Verstehen) در تلاش پدیدارشناختی به واسطه‌ی پرداختن به سؤال از چیستی فهم، همزمان، و چه به روش شناختی نیز دارد. چنین بیانی ضمناً به واسطه‌ی کاربرد مفهوم هوسرلی افق (horizon)، واجد تفسیر (interpretive) و هرمنوتیک هم هست و وضعیت تاریخی- انسانی مورد نظر هایدگر در فهم را هم پوشش می‌دهد. به همین جهت فهم برای گادامر وجه زبانی و دیالوگی دارد؛ زیرا واقع‌ی دیالوگی فهم در عرصه‌ی ادغام آفاق (fusion of horizons)، دغدغه‌ی چیستی واقعیت و چگونگی پرداختن و درک آن را مشخص می‌کند. گادامر برای نشان دادن چگونگی وقوع فهم فرد در متون گسترده‌تر تاریخی و هرمنوتیکی، از مفهوم آگاهی تاریخی مؤثر (effective historical consciousness/Wirkungsgeschichtliches) سود برگرفت

ناضماً اهمیت نقش سنت و پیش‌داوری (tradition and prejudice/Vorurteil) را در هر گونه فهمی گوشزد کند. این در حالی است که آنچه کسی می‌فهمد، باعث تفاوت در عملکردش می‌شود و به علاوه کاربرد عملی دانش (knowledge)، ذاتی فهم هر چیزی است. کاربرد عملی البته به نظر گادامر بیرونی و پساوقوعی نیست؛ زیرا استفاده از فهم به شکل مستقل از فهم، دست‌دادنی نمی‌نماید و همه‌ی فهم اساساً عملی است.

به نظر گادامر مسئله‌ی سنتی هرمنوتیک از تمایز‌گذاری میان معنا (meaning/sinn) و دلالت (significance/Bedeutung) بر می‌خیزد که در قرن بیستم تاریخی است و نمی‌تواند تعلقات انتقادی و شالوده‌شکنانه را به‌ویژه در متون خادمان نظیر عصر روشنگری و مدرنیته و پسامدرنیته پی گیرد.